

حزب طبقه کارگر در ایران

اثر چریک فدائی خلق
بیژن جزنی

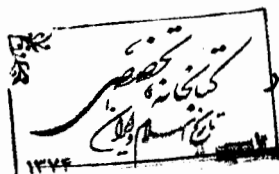
۲۹
۲
۵
۳۰

شماره ثبت ۴۸۵ - ۵۷/۱۰/۹

انتشارات دفتر خدنگ

مقابل دانشگاه تهران

۳۵ ریال



حزب طبقه کارگر در ایران

اثر چریک فدائی خلق

بیژن جزئی

اول - موقیعت جنبش کارگری و جریانهای

مختلف آن در حال حاضر

در شرایطی که اختناق رژیم و سیستم پلیسی بسیار پیشرفته آن امکان ظهور و گسترش جنبش توده‌ای طبقه کارگر را غیرممکن ساخته است و در غیاب یک سازمان انقلابی واحد که بتواند فرم و محتوای حزب طبقه کارگر را ارائه کند. جریانهای متشکلی که از عناصر پیشرو طبقه کارگر و روشنفکرانی که ایدئولوژی این طبقه را پذیرفته‌اند تشکیل شده، دچار تفرقه و پراکندگی هستند. این جریانها در حالی که در برداشت‌های خود از مارکسیسم - لنینیسم و در مشی اختلاف دارند، مجموعاً "نقش پیشاهنگ طبقه کارگر را بعهده دارند.

شکست تاریخی حزب توده باعث شد که عناصر پیشرو طبقه کارگر به فعالیت‌های پراکنده گروهی روی آورند. حزب توده علی‌رغم

ضعف‌های جدی و انحراف‌های فاجعه آمیزش این امتیاز را داشت که جنبش طبقه کارگر را در وطن ما در یک پروسه واحد رهبری می‌کرد. فعالیت‌گروهی که در یک مدت طولانی بصورت موثرترین فرم برای تشکیل جریان‌های جنبش سیاسی طبقه کارگر شناخته شده بود باعث شد که جریان‌های مختلفی در این جنبش بوجود بیآید. نتیجه این فعالیت‌ها اختلافاتی بود که در خط مشی و برداشت‌های ایدئولوژیک از مارکسیسم - لنینیسم بروز کرده و در حال حاضر میتوان این جریان‌ها را در چهار دسته طبقه بندی کرد.

اولین جریان بقایای حزب توده است. جریان‌های دیگر عبارتند از رقبای حزب توده در خارج از کشور، گروه‌ها و جریان‌های مخالف حزب توده در داخل کشور که به طور کلی به مشی سیاسی معتقدند و بالاخره جریان‌های مارکسیست - لنینیست که مشی مسلحانه اعتقاد داشته و در این راه فعالیت می‌کنند. همه این جریان‌ها مدعی‌اند که رسالت رهبری طبقه کارگر را بعهده دارند و خود را پیشاهنگ طبقه و یا بخشی از این پیشاهنگ بشمار می‌آورند. توجه

نکردن به این واقعیت‌ها ما را از کوشش
اصولی در راه رسیدن به وحدت‌در جنبش
طبقه کارگر باز می‌دارد.

اینک به اختصار موقعیت هر دسته را جمع -
بندی می‌کنیم :

۱ - موقعیت بقایای حزب توده

الف - حزب توده دارای یک گذشته
شناخته شده است. این گذشته برای او در
در چند زمینه امتیازاتی در بردارد. حزب
توده مورد پذیرش دهها حزب کمونیست در
جهان است و با آنها رابطه بین‌المللی دارد.
در راس این احزاب حزب کمونیست شوروی قرار
دارد. این شناسائی امکاناتی در اختیار حزب
توده می‌گذارد.

ب - جنبش کارگری که طی یک
مدت نسبتاً " طولانی تحت رهبری این حزب قرار
داشت باعث شد که در ذهن کارگران قدیمی
آگاه و توسط آنها در سطح محدودی از کارگران
جوان این حزب معروفیت داشته باشد. مردم
نیز بطور کلی خاطراتی از این دارند.
ماجراهای مختلف (مثل جریان تشکیلات تهران)
و ادامه کار رادیو پیک ایران این سوابق

را یادآوری می‌کند. معذالک این خاطرات در اغلب موارد به سود حزب توده نیست. مردم خاطره شکست حزب و بخصوص خیانت رهبران سرشناس آن را به یاد دارند و این مفاخر محبوبیت این حزب در بین مردم است.

ج - حزب توده در خارج از کشور و بخصوص در اروپای شرقی شبکه‌ای از افراد مهاجر و پناهنده داشته و معدودی از دانشجویان ایرانی مقیم اروپا را بسوی خوب جلب کرده است. حزب توده می‌تواند به اتکای شوروی امکاناتی در جوار ایران مثلاً در عراق، برای تبلیغات بدست آورد. این امر بیشتر موکول به تشدید تضادهای خارجی در ایران و تیره شدن مناسبات ایران و شوروی است.

د - پس از شکست مفتضحانه تشکیلات تهران / حزب توده در داخل دارای نیروی متشکلی نیست و طرفداران غیرفعال پراکنده ای دارد. این طرفداران اصولاً از افراد قدیمی تشکیل شده‌اند که قادر بایفای نقش مبارزاتی نیستند.

ه - وابستگی حزب توده به سیاست شوروی که همچنان ادامه یافته است در شرایطی که به خاطر رابطه شوروی با رژیم مردم در مقابل شوروی موضع گرفته اند موجب بدبینی مردم به حزب توده شده و حتی شنوندگان صدای پیک ایران نیز همچنانکه شنوندگان " صدای سلی" افراد انگشت شمار بیش نیستند. حزب توده ناچار است نتایج وخیم وابستگی خود به شوروی را تحمل کند و حتی از داشتن یک سیاست تبلیغاتی مستقل و فعال بر ضد رژیم محروم بماند.

و - حزب توده فاقد یک استراتژی و تاکتیک انقلابی است و عمیقا " دچار اپورتونیزم می باشد. این حزب در دو ساله اخیر به تدریج موضع اپورتونیستی خود را در مقابل جنبش مسلحانه تصریح کرده و با دفاع از تاکتیک های شکست خورده قبلی تحت عنوان " مشی سیاسی" به جنبش مسلحانه حمله می کند.

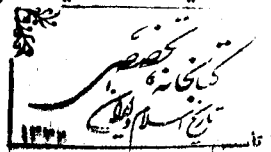
واقعیت این است که حزب توده انتظار شرایط دموکراتیک را می کشد تا بتواند در آن به فعالیت بپردازد. در عین حال خود این حزب هیچ نقشی در ایجاد چنین شرایط

دلخواهی برای خود ندارد.

حزب توده خود را حزب طراز نویسن طبقه کارگر ایران می‌داند و عنوان "حزب برادر" را وسیله ادامه حیات خود قرار داده است.

در دو دهه اخیر ادامه حیات این حزب به میزان زیادی بستگی به شناسائی آن توسط حزب کمونیست شوروی داشته است. چنین است موقعیت کلی اولین و قدیمی‌ترین مدعی پيشاهنگی طبقه کارگر ایران.

حزب دموکرات کردستان که از سه دهه پیش تمایلات کمونیستی داشته، در گذشته متحد حزب توده بشمار می‌رفته ولی در حال حاضر مشی مستقل و مثبتی در پیش گرفته است. این حزب تحت تاثیر جنبش ملی خلق کرد در عراق و با تکیه بر سمتی که خلق کرد در ایران تحمل می‌کند زمینه مساعدی در کردستان ایران دارد. پایان جنگ در عراق و حل اختلاف‌های حزب دموکرات کردستان عراق با دولت عراق که به منزله تثبیت حقوق کردها در عراق است می‌تواند باعث تشدید فعالیت حزب دموکرات کردستان



ایران بشود. موقعیت حزب دموکرات کردستان ایران از ویژگی‌های مهمی برخوردار است که باعث می‌شود جنبش مسلحانه به آن توجه خاص نماید. معذالک این حزب در جنبش کارگری ایران و وحدت بخشیدن به آن به سبب همان ویژگی‌ها دارای امکانات اندکی است.

۲- موقعیت جریان‌های مارکسیست لنینیست رقیب حزب توده در خارج ایران.

در حال حاضر سازمان‌های انقلابی حزب توده، طوفان، کمونیست‌ها و کادرها و منشعبین آنها، مهم‌ترین جریان‌های مارکسیست - لنینیست منشعب و جدا از حزب توده در خارج از کشورند. این جریان‌ها عموماً "طرفدار مشی حزب کمونیست چین در جنبش جهانی و دو جریان اول به دنباله روی بی چون و چرای سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین تبدیل شده‌اند.

موقعیت این جریان‌ها بشرح زیر است:

الف - طی چند سال اخیر اختلاف‌هایی که بر سر مشی در این جریان‌ها بروز کرده

ب
 آنها را به نیروهای کوچک تری تقسیم کرده است، این جریان ها درحالی که همه مدعی نقش پیشاهنگی طبقه کارگر هستند تلقی های مختلفی از خود، از مسئله حزب دارند که اساساً "مربوط به سوابق هر یک از آنها می شود. مثلاً" سازمان طوفان خود را ملزم به احیای حزب طبقه کارگر در ایران می داند. در حالی که سازمان انقلابی ایجاد حزب طبقه کارگر در ایران را وظیفه خود قرار داده است.

ب- بر سر مشی اختلاف هائی بین آنها وجود دارد ولی عموماً "مدافع" "کارتوده ای" و یا "کار دهقانی" تشکیل حزب طبقه کارگر در مرحله اول مبارزه و سرانجام اعتقاد کلی به مشی قهرآمیز یعنی قبضه کردن قدرت از طریق جنگ توده ای هستند.

ج - سازمان طوفان و سازمان انقلابی کمونیست ها و کادرها امکانات چشمگیری در داخل ایران ندارند ولی شبکه هائی در خارج از کشور دارند. در داخل کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم خارج، این سازمانها فعالیت می کنند و با همکاری نیروهای جبهه ملی خارج از کشور بر ضد حزب توده مبارزه

می‌کنند. هر چند با خارج شدن حزب توده از صحنه فعالیت‌های کنفدراسیون، تضاد و مبارزه بین این سازمان‌ها در درون کنفدراسیون تشدید شده است.

د - در داخل کشور عده‌ای از اعضای سازمان انقلابی فعالیت پراکنده یا متشکلی دارند. تاکنون چند شبکه در رابطه با این سازمان تشکیل شده و دست‌به‌فعالیت‌های پراکنده‌ای زدند که از جانب پلیس کشف شدند. آخرین این شبکه‌ها " سازمان رهائی بخش" است که بطور کلی تحت تاثیر مشی و روابط سازمان انقلابی قرار داشت.

ه - عقاید پروجینی این جریان‌ها مدت‌ها یک‌امتیاز برای آنها بشمار می‌رفت چهره ضد آمریکائی چین، مخالفت آن با مشی شوروی که در کشور ما بخصوص بصورت رابطه با رژیم و تأیید ضمنی رژیم محکوم می‌شد و شعارهای حزب کمونیست چین به سود جنبش ضد امپریالیستی عامل عمده این امتیاز بود. ولی در دو ساله اخیر که از طرفی جنبش مسلحانه در سطح جامعه مطرح شده است و از طرف دیگر در صحنه جهانی تضاد چین با آمریکا تعدیل شده و چین

به سازمان ملل راه یافته است به اعتبار چین آسیب رسیده و نقش چین در بحران های جهان (مثل بحران سودان و شبه قاره هند) در کاهش اعتبار چین بی تاثیر نبوده و لسی مهمترین عامل در از بین بردن امتیاز جریان های پروچینی (طرفدار چین) برقراری رابطه سیاسی بین رژیم و چین است . مسافرت درباریان به پکن، تأیید مکرر پکن از مشی رژیم در مقابل شرکت های نفتی ، تأیید سیاست داخلی رژیم و تأیید ضمنی سیاست میلیتاریستی (نظامی) شاه و نقش ژاندارمی او در منطقه ، تمایل به گسترش هر چه بیشتر رابطه اقتصادی بین دو کشور و بالاخره به اعتنائی به موقعیت جنبش انقلابی در ایران و چشم پوشی در مقابل جنایت های رژیم ایران سیمائی را که جریان های پروچینی از چین توده ای در جنبش ساخته بودند تیره ساخته است . این موقعیت جدید چین باعث سر در گمی در جریان های طرفدار آن شده تاوان امتیازات قبلی را که داشتند از آنان پس می گیرد .

و - شناخت اغلب این جریان ها از جامعه ایران نادرست .

بر اساس این شناخت نادرست و با برداشت های کلیشه ای از تجارب انقلاب چین، این جریان ها فاقد یک استراتژی و تاکتیک انقلابی اند. دادن حق تقدم به تشکیل حزب، محاسبه اشتباه روی دهقانان، تعیین تضاد عمده جامعه بصورت تضاد خلق با فئودالیسم و امپریالیسم، کمبودهای اساسی این جریانها بشمار میروند.

ز - در چند سال اخیر بموازات حیثیت و اعتباری که جریان های مارکسیست - لنینیست جنبش مسلحانه کسب کرده اند و به ازای دهها شهید کمونیست که لکه ننگ زبونی و تسلیم رهبران حزب توده را از دامان جنبش کارگری زدوده اند. سازش و خیانت عده ای از رهبران و افراد نخبه سازمان انقلابی، اعتبار این جریان ها را با خطر جدی روبرو ساخته است. از جمله این ضعفها باید از مصاحبه نیکخواه، پارسا نژاد و لاشائی نام برد. تضاد شدید موضع رهبران و افراد نخبه جنبش مسلحانه با موضع این افراد در مقابل دشمن این

ضعف را بسیار چشمگیر می‌سازد و زمینه را برای رشد این جریان‌ها در داخل کشور نامساعد می‌سازد.

در مقایسه با اپورتونیزم حزب توده که به اتکای سوابق خود و رابطه با شوروی توانسته طی مدتی طولانی دوام بیاورد، این جریان‌ها در آینده تجزیه شده و توده‌های طرفدار آنها به جنبش مسلحانه روی خواهند آورد.

۳- موقعیت جریان‌های مخالف حزب توده که به مشی سیاسی اعتقاد دارند.

جریان‌هایی که شامل این دسته قرار می‌گیرند آنهایی هستند که پس از شکست حزب توده بوجود آمدند و وظیفه خود را مبارزه با حزب توده قرار دادند. نمونه این جریان‌ها "پروسه"، "مارکسیست‌های آمریکائی" و "ساکا" است. این جریان‌ها هر یک به تنهایی خود را طبقه کارگر و یا پیشاهنگ این طبقه در ایران می‌شناختند.

تجزیه و تحلیل
تاریخ اسلام

گروههایی که جدا از این دسته و مستقل از حزب توده در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۲ تشکیل شده بود در دهه قبل پس از کودتای ۲۸ مرداد از جریان خارج شدند. آخرین این گروهها " کمیته انقلابی " و " گروههای متحده " بودند.

بطور کلی این دسته گروهها موقعیت خود را از دست داده اند و ماهیت آنها بقدر کافی برای جنبش روشن شده است. با آشکار شدن جنبش انقلابی مسلحانه زمینه فعالیت برای این دسته جریانها از بین رفته است.

* مگر آن که دشمن بخواهد طبق نقشه ، جریانهای تازه ای برای گمراه ساختن نیروهای بسیج شده ایجاد کند *

در حال حاضر محفلها ، هسته ها و گروههای زیادی وجود دارند که طی دو سال اخیر ایجاد شده و رشد کرده اند. این جریانها گرچه مشی مسلحانه را نپذیرفته اند ولی به مشی دیگری نیز قائل نیستند * این جریانها زمینه مساعدی هستند که باید

در جهت جنبش مسلحانه کانالیزه شوند و برخورد جنبش با آنها اساساً با برخوردی که با جریان‌های اپورتونیستی دارد متفاوت است. *

۴ - موقعیت جریان‌های مارکسیست
لنینیست جنبش انقلابی
مسلحانه.

این جریانها در دهه اخیر به مثابه سنتز مبارزات گذشته جنبش کارگری و جنبش رهایی بخش بوجود آمده و بیان کنننده ضرورت‌های تاریخی‌اند. ضرورت‌هایی که در شرایط اختناق بی‌سابقه در مقابل جنبش انقلابی قرار گرفته است. اولین ویژگی این جریان‌ها این است که در زیر فشار روزافزون رژیم بوجود آمده و رشد کرده‌اند.

* گروه‌های سیاسی - نظامی نه بعنوان یک فرم دائمی بلکه بعنوان موثرترین فرم برای تشکیل عناصر پیشرو که آیدئولوژی کارگری را پذیرفته‌اند انتخاب شد. *

این گروهها براساس ارزیابی دقیق

موقعیت خود در مرحله تدارک نامی برای خود انتخاب نکردند و ادعای پیش‌آهنگی کل طبقه کارگر را نداشتند و هنوز نیز ندارند.

این جریان‌ها طی چند سال راه دشواری را طی کرده و سرانجام بارستاخیز سیاه‌کل در سطح جامعه موجودیت خود را اعلام کردند. فقط پس از درگیری خونین با رژیم بود که چریک‌های فدائی خلق به خود اجازه دادند به مثابه بخش از پیشاهنگ خلق با توده سخن بگویند.

علاوه بر چریک‌های فدائی خلق چند گروه و تعداد بیشتری محفل و هسته‌های مارکسیست - لنینیستی جنبش مسلحانه خط مشی خود را در رساله‌ها و بیانیه‌های مختلف اعلام کرده است. در حال حاضر استراتژی و تاکتیک چریک‌های فدائی خلق پیشروترین و صحیح‌ترین استراتژی - انقلابی جنبش‌شمار می‌رود ولی این استراتژی باید در جریان عمل تکامل - یافته نقش تاریخی خود را در جنبش انقلابی طبقه کارگر و جنبش‌رهای بخش ایفا کند.

موقعیت این جریان ها
در حال حاضر بشرح زیر
است :

الف - در میان این جریان ها چریکهای فدائی خلق توانسته به مثابه پیشرو ترین جریان اعتبار و حیثیت زیادی کسب کند .
جریان های دیگر مارکسیست - لنینستی آماده اند تا در زیر پرچم چریک های فدائی خلق متحد شوند . این پدیده ای مثبت در جنبش کارگری و جنبش رهایی بخش به شمار می رود و مرهون خصوصیات مبارزاتی و -
ایدئولوژیک چریک های فدائی خلق است .
فداکاری ، جسارت و پایداری در بکار بستن تاکتیک های مسلحانه و داشتن یک برنامه استراتژیک و تاکتیکی از جمله این خصوصیات بشمار می رود .

ب - غم نقش محوری چریک های فدائی خلق و حیثیت و اعتبار این جریان ، هنوز موانع جدی در راه وحدت کامل جریانهای مارکسیست - لنینیست در جنبش مسلحانه وجود دارد . این جریان ها هنوز از وحدت کامل ایدئولوژیک، استراتژیک و تاکتیکی برخوردار

نیستند و بقایای بستگی‌ها و تنگ‌نظری‌های گروهی از آنها رخت‌برنسته است. کوشش آگاهانه در راه رسیدن به چنین وحدتی از وظایف مبهم هر یک از این جریان‌ها بشمار می‌رود.

ج - در دو سال اخیر این جریان‌ها در مباحثه با رژیم توانسته‌اند حمایت معنوی مردم را به خود جلب‌کنند و به بدبینی طبقه کارگر که ناشی از سازش‌های گذشته جریان‌های پیشرو با رژیم بوده است تا حدود زیادی غلبه‌کنند. روشنفکران انقلابی به سوی جنبش مسلحانه روی آوردند و آثاری از گسترش جنبش در میان کارگران و دیگر قشرهای شهری دیده می‌شود.

د - علائم این نفوذ معنوی و کسب حیثیت در جامعه این جریان‌ها توانسته‌اند نیروهای را که به جنبش روی آورده‌اند، جذب‌توده و سازمان دهند. محیط پلیسی و ترور فزاینده رژیم عامل اصلی کنسیدی سازمان دهی این نیروهای تازه و استفاده از آنها جهت رشد سریع جنبش مسلحانه بوده است.

ه - در پرتو مبارزات دو ساله اخیر

ایدئولوژی طبقه کارگر در پیوند با جنبش
 مسلحانه از حیثیت و اعتباری که در دوده
 گذشته سابقه نداشته است ، در جامعه
 برخوردار شده است .

این طراحی از موقعیت حاضر جریانهای
 وابسته به جنبش سیاسی طبقه کارگر ایران
 است . بررسی مسئله حزب بدون توجه جدی
 به این موقعیت غیرممکن است .

طرح مسئله حزب بدون توجه به
 شرایط خاص و صرفاً " براساس اصول
 عام نمیتواند کوششی در راه -
 رسیدن به چنین حزبی باشد .

دوم - تشکیل حزب مقدم بر مبارزه با دشمن است
یا نتیجه آن ؟

در طرح مسئله حزب باز مسئله قدیمی
کاری و اسب به میان آمده است. در این
مورد نیز کسانی پیدا شده اند که می خواهند
کاری را جلو اسب ببنند.

اینها کسانی هستند که مبارزه جدی و
همه جانبه با دشمن را موقوف به ایجاد
حزب طبقه کارگر کرده اند. ما معتقدیم حزب
طراز نوین طبقه کارگر نمی تواند قبل از
یک دوره مبارزه جدی با دشمن خلق و دشمن
کارگر بوجود آید. ما معتقدیم حتی در
شرایطی که آزادی های اجتماعی تا حدودی از
جانب رژیم حمایت می شود احزابی که امکان
موجودیت پیدا کرده اند علیرغم عناوین خود
فاصله زیادی تا یک حزب طراز نوین طبقه
کارگر داشته اند.

در اثبات این مطلب سه نمونه تاریخی
را ذکر می‌کنیم :

در روسیه حزب سوسیال دموکرات کارگری
فاقد خصوصیات حزب واقعی طبقه کارگر بود.
حزب طبقه کارگر بصورت حزب بلشویک از
پروسه طولانی مبارزه با دشمن متولد شد.
با همه اینها حزب سوسیال دموکرات تا پیش
از ظهور حزب بلشویک نقش پیشاهنگی طبقه
کارگر را بعهده داشت.

ممکن است فکر کنیم در این مدت هنوز
لنین خصوصیات حزب انقلابی طبقه کارگر را
معین نکرده بود. این مطلب درست است ولی
می‌پرسیم چرا لنین تا سال ۱۹۰۳ یعنی هنگام
کنگره دوم حزب ضرورت یک چنین حزبی را
مطرح نکرده بود؟ زیرا فقط پس از رشد و
گسترش جنبش سیاسی طبقه کارگر بود که
ضرورت یک چنین حزبی احساس شد و مسئله
حزب تبدیل به مهمترین مسئله کنگره دوم
شد. حال ببینیم پس از اعلام انتر-
ناسیونال سوم در سال ۱۹۱۹ که خصوصیات
حزب طراز نوین طبقه کارگر تعیین شده بود
احزابی که زیر همین نام بوجود آمدند تا

چه حد واجد خصوصیات چنین حزبی بودند .
 نمونه دوم حزب کمونیست چین است . در سال
 ۱۹۲۱ در جمهوری کومین تانگ بر اساس اصل
 دوستی و همکاری کومین تانگ با دولت شوروی
 و جریان های کارگری امکان تشکیل رسمی
 حزب و فعالیت علنی آن در منطقه تحت
 حاکمیت کومین تانگ بوجود آمد .

حزب کمونیست در این سال با حضور ۱۱
 تن به نمایندگی هفتاد نفر موجودیت خود را
 اعلام کرد . نمایندگان انترناسیونال نیز در
 جلسه تاسیس حزب شرکت کردند ولی گرچه این
 حزب نام حزب کمونیست را داشت برای رسیدن
 به محتوای واقعی حزب طراز نوین در چین
 نیازمند شرکت در فعالیت های وسیعی
 بود .

حزب توانست رهبری طبقه کارگر را در
 شهرهای بزرگ جنوبی بدست گیرد و پروسه های
 چون جنگ ضد فئودالی ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ را از
 سر بگذرانند .

لازم بود با اپورتونیزم راست برهبری
 جین توسیو مبارزه شود و حزب از دنباله
 روی کومین تانگ خلاص گردد و سرانجام پس
 از مبارزه با اپورتونیزم چپ به رهبری

لی‌لی سان، حزب خصوصیات انقلابی کامل و خط مشی صحیح را بدست می‌آورد. حزبی که راهپیمائی بزرگ را به انجام رساند، حزبی که جنگ ضد ژاپنی را رهبری کرد جز نام خود شباهتی به حزب ۱۹۲۱ نداشت.

باز می‌گردیم به ایران. در سال ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ شمسی) حزب کمونیست ایران اعلام موجودیت کرد. این حزب از شرایط آزاد استفاده کرد و به سرعت رشد یافت و با گسترش جنبش توده‌ای طبقه کارگر رهبری این جنبش را بدست گرفت. نوسانهائی چون جنبش آذربایجان و پانزدهم بهمن را از سر گذراند و مخفی شد.

همه اینها زمینه‌هایی بود برای رشد حزب، اگر این حزب می‌توانست علیرغم ضعف‌هایش بحران بزرگ پس از کودتا را از سر بگذراند، اگر صفوف و رهبری آن تصفیه می‌شد و زیر ضربات سهمگین می‌توانست به حمایت خود ادامه دهد، آن وقت می‌توانست تبدیل به یک حزب انقلابی شده محتوای حزب طراز نوین طبقه کارگر را دارا شود. ولی چنانکه می‌دانیم این حزب

کتابخانه
تاریخچه
مجله

از حرکت بازماند. متلاشی شد و جز بقایائی از آن باقی نماند.

حزب انقلابی طبقه کارگر به مثابه عالی‌ترین نوع پیشاهنگ طبقه فقط می‌تواند بدنبال یک مبارزه طولانی و همه‌جانبه بوجود آید.

آنها که می‌خواهند از طریق تشکیل گروههای سیاسی مخفی (چنانکه طی چند سال در این راه کوشش به عمل می‌آمد) حزب طبقه کارگر را تشکیل دهند به راستی کاری را جلو اسب ببندند.

چنین حزبی هرگز بهتر از حزب توده فعلی (و نه حزب توده در سال های ۲۰ تا ۳۲) نخواهد بود.

گروههایی در کشور ما دیده شده‌اند که پس از خستگی از عنوان گروه برای پنهان ساختن بی‌عملی خود نام خود را به "سازمان" یا حزب تبدیل می‌کنند. مثلاً "مارکسیستهای آمریکائی نام" حزب کمونیست ایران را بر خود گذاشته بودند و "ساکا" مخفف سازمان انقلابی کمونیستی ایران بود.

پس نظر ما روشن و صریح است.

ما فقط در پراتیک انقلابی می‌توانیم
شرایط لازم برای تشکیل حزب را فراهم
سازیم .
حزب در مرحله معینی از پروسه طولانی
مبارزه بوجود می‌آید نه در آغاز آن .

سوم - آیا پیش‌آهنگ طبقه کارگر در همه شرایط الزاما به صورت حزب است؟

قبلا "یا دآور شدیم که پیش‌آهنگ طبقه کارگر در هر شرایطی الزاما" فرم تکامل یافته حزب را نخواهد داشت. این هم در گذشته و هم در حال حاضر صادق است. گروهها و سازمان‌های سیاسی - نظامی مارکسیست - لنینیست در شرایط حاضر می‌توانند برای یک مرحله از مبارزه پیش‌آهنگ طبقه کارگر بشمار روند.

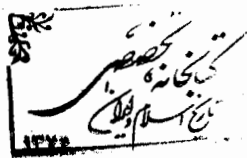
نه فقط امروز که این جریانها بخشی از پیش‌آهنگ طبقه کارگر بشمار می‌روند، بلکه در فردا نیز که جریان‌ها به وحدت رسیده و دیگر جریان‌های جنبش‌کارگری را در جهت‌مشی خود کانالیزه خواهند کرد و در نتیجه جنبش انقلابی طبقه کارگر از وحدت نسبی برخوردار خواهد شد، هنوز این احتمال وجود دارد که پیش‌آهنگ طبقه کارگر

صورت حزب را بخود نگیرد.

تفاوت عمده چنین پیشاهنگی با " حزب طبقه کارگر " اولاً در ادغام ارتش آزادی بخش یا نیروی نظامی در سازمان سیاسی قرار دارد. به این معنی که در غیاب حزب ارتش از سازمان سیاسی جدا نیست و مبارزه جنبه یک جبهه اساساً نظامی را دارد.

ثانیاً " این جبهه سیاسی - نظامی با جریان های سیاسی و جنبش های سیاسی و اقتصادی وحدت سازمانی ندارد. بدیهی است تفاوت های دیگری نیز در نحوه عمل، وظایف و سازماندهی بین آنها وجود خواهد داشت. در شرایط حاضر این یک فرضیه است و مثل همیشه تحقق آن موکول به رشد جریان های فعلی و پیاده شدن این فرضیه در عمل است.

طرح این مسائل ناشی از تجاربی است که اهمیت مسئله حزب را برای ما مسلّم می سازد و الا آسان می توان از مسئله حزب بطور کلی حرف زد و اعلام کرد که :



ما طرفدار تشکیل حزب طبقه کارگر
در اولین موقعیتی که شرایط
مبارزه آن را ممکن و ضروری
گرداند، هستیم.

اینک ما به این مسئله میپردازیم که:

آیا حزب طبقه کارگر در همه شرایط
خصوصیات واحدی دارد؟

اینجا دیگر بحث بر سر پیشاهنگ
طبقه کارگر که می‌تواند اشکال مختلفی
داشته باشد نیست. بحث بر سر این است که
حزب طبقه کارگر یعنی تکامل یافته‌ترین فرم
پیشاهنگ طبقه کارگر در همه شرایط فرم و
محتوای واحدی دارد یا نه؟

در اینجا می‌خواهیم خصوصیات چنین
حزبی را در جریان جنبش انقلابی حاضر و
در آینده آن بررسی کنیم.

تحلیل جنبش جهانی طبقه کارگر نشان
می‌دهد که احزاب طبقه کارگر در شرایط
مختلف فرمهای مختلفی را برگزیده‌اند و
وظایف آنها بسته به خصوصیات مبارزه‌ای که
برعهده داشته‌اند تعیین شده است.

به عبارت دیگر فرم و محتوای حزب طبقه کارگر در همه شرایط اسر واحدی نیست . مثلاً " حزب بلشویک در جریان انقلاب ۷-۱۹۰۵ وظایف انقلابی نظامی بعهده گرفت و پس از شکست انقلاب ناچار شد سازمان وسیع خود را تبدیل به شبکه‌های بسیار فشرده با کیفیتی عالی کند . در جنگ جهانی اول کمیته های حزبی در ارتش نفوذ کرد و در خطوط جبهه گسترش یافت . پس از پیروزی انقلاب اکتبر حزب سازمان و وظایف متفاوتی را به خود گرفت و در تمام این مدت حزب همچنان حزب لنینی طبقه کارگر بود .

احزاب کمونیست در تمام کشورها چنین دگرگونی هائی را از سر گذرانیده‌اند نمونه‌ها بسیار است . می‌توان به حزب کمونیست فرانسه قبل از اشغال فرانسه توسط هیتلریها و در مدت اشغال اشاره کرد .

نه فقط یک حزب در موقعیت های مختلف فرم و محتوای مختلفی به خود می‌گیرد ، بلکه احزاب طبقه کارگر در کشورهای مختلف ویژگی‌های مخصوص به خود دارند .

مثلاً " حزب کمونیست ویتنام شمالی یا حزب کمونیست آلبانی از نظر فرم، ترکیب اجتماعی و وظایف اختلاف‌های چشمگیری دارد در حالی که هر دو قدرت را در دست دارند.

حزب کمونیست برزیل، کامبوج و عراق تفاوت‌های بسیاری دارد.

ما معتقدیم حزب طبقه کارگر در شرایط کشور ما وظایف خاص و فرم خاص خود را خواهد داشت.

مهم‌ترین خصیصه این حزب خصلت نظامی آن خواهد بود. مهم‌ترین وظیفه این حزب آماده ساختن توده‌ها برای یک انقلاب قهرآمیز است.

لنین که واضع خصوصیات حزب طراز نوین طبقه کارگر است به وظایف حزب در رهبری نظامی توده‌ها عمیقاً توجه داشت.

حتی در شرایط مبارزه سیاسی لنین تاکید می‌کرد که :

" آماده کردن روانی توده‌ها به قهر انقلابی یکی از وظایف حزب کمونیست است. " حزب طبقه کارگر موظف است

کارگران و روشنفکران انقلابی را آماده
 برخورد نظامی قطعی با دشمن کند. هنگامیکه
 ارتش و پلیس ضد خلقی با آخرین تکنیک خود
 را به کار سیاسی محدود سازد؟

انگلس می‌گوید: " طبقات مسلط که
 سلاحها را تکمیل می‌کنند و به ارتشهای خود
 روشهای نوین جنگ را می‌آموزند، سطح خشونت
 را تعیین می‌کنند.

احزاب انقلابی اگر می‌خواهند پیروز
 شوند باید از این سطح فراتر روند.

ما در شرایط حاضر عمیقا " به خنثی
 کردن خشونت و قهر ضد انقلابی رژیم اعتقاد
 داریم و به همین جهت مبارزه مسلحانه را
 تاکتیک اساسی خود قرار داده‌ایم. رشد و
 گسترش این مبارزه ایجاب می‌کند حزب طبقه
 کارگر در آینده بیش از هر چیز خصوصیات
 یک ستاد سیاسی - نظامی را دارا باشد تا
 یک سازمان سیاسی و اداری را.

مهمترین وظیفه چنین حزبی سازماندهی
 ارتش آزادی‌بخش و رهبری جنگ توده‌ای خواهد
 بود.

اکثریت کادرهای این حزب افراد و
 فرماندهان ارتش آزادی‌بخش خواهد بود.

این حزب سازمانی جدا از ارتش خواهد داشت. در واحدهای ارتش عناصر غیرحزبی می‌توانند به فرماندهی عناصر حزبی برسند ولی فرماندهی و رهبری کل ارتش در هر حال در دست حزب خواهد بود. مهمترین وظایف چنان حزبی صرفنظر از سازماندهی ارتش و رهبری نیروهای مسلح عبارت خواهد بود از:

الف - رهبری فعالیت‌های سیاسی در جهت جنگ توده‌ای و به مثابه جبهه دومی برای این جنگ و زمینه دائمی برای تدارک نیرو و نیازهای جنگ توده‌ای. به این ترتیب احتمالاً "عده‌ای از کادرهای حزب وظایف غیرنظامی برعهده خواهند داشت.

ب - اداره تبلیغات سیاسی در سطح بین‌المللی.

ج - جلب نیروها و جریان‌های غیر کارگری به سوی انقلاب، تامین وحدت با آنها در چهارچوب یک جبهه متحد آزادیبخش و رهبری جناح سیاسی چنین جبهه‌ای.

د - تربیت ایدئولوژیک کادرهای نظامی و سیاسی خود، تجدید تربیت نیروها و عناصر غیر کارگری که به صفوف حزب

و ارتش راه می‌یابند در جهت کنترل
 خصوصیات ایدئولوژیک حزب و تعیین مسیر
 انقلاب .

پیش‌آهنگ انقلابی طبقه کارگر قبل از
 رسیدن به چنین مرحله تکامل یافته ای
 بخش مهمی از این وظایف را بعهده خواهد
 گرفت . فقط به این شرط است که این
 پیش‌آهنگ می‌تواند در مرحله معینی بحزب
 طراز نوین طبقه کارگر تبدیل شود . *

چهارم - عمده ترین شرایط تشکیل چنین حزبی در آینده کدامست؟

برای تشکیل حزبی که وظیفه رهبری
مبارزات سیاسی - نظامی را با ابعاد
توده‌ای بعهدده دارد، شرایط زیر لازمست :

الف - جریان‌های موجود وابسته به
جنبش طبقه کارگر در جهت یک استراتژی و
تاکتیک انقلابی باید هدایت شوند. در نتیجه
جنبش انقلابی طبقه کارگر باید از وحدت
نسبی برخوردار شده و جریان‌های اپورتونیست
منفرد گردند.

ب - می‌بایست توده‌ها به مبارزه -
روی آورده و این جریان واحد مارکسیست
- لنینیستی از حمایت نیروهای پیشرو توده
برخوردار گردد. باید کارگران و دیگر
زحمتکشان شهر و ده که نقش آگاهانه
پیشرو دارند همراه روشنفکران انقلابی

عمدتاً " از این جریان حمایت کرده آنسرا
 نماینده سیاسی خود تلقی کنند. این حمایت
 از طریق پیوستن به صفوف پیشاهنگ و کمک و
 حمایت مادی از جریان انقلابی ظاهر میگردد.
 در چنین شرایطی وجود جنبش‌های وسیع خود
 انگیخته‌ی طبقه کارگر و حرکات توده‌ای
 اقتصادی این طبقه الزام آور نیست و وجود
 و تأیید این جریان‌ها شرط لازم تحقق حزب
 طبقه کارگر نخواهد بود. زیرا در شرایطی
 که جو کشور نظامی شده است جنبش‌های توده‌ای
 اساساً " بصورت حرکت نظامی ظاهر می‌گردد و
 طبقه کارگر قدرت خود را از طریق
 پیشاهنگ انقلابی خود و ارتش توده‌ای اعمال
 می‌کند نه از طریق اعتصاب‌های وسیع کارگری
 در حقیقت جنبش‌هایی وسیع و زنجیره‌ای
 اقتصادی و سیاسی زحمتکشان شهری و در راس
 آنها طبقه کارگر فقط در شرایط دموکراسی
 بورژوازی و یا الگوهای عقب مانده آنها
 یعنی در شرایطی که حقوق اساسی و آزادی-
 های اجتماعی کم و بیش از جانب رژیم
 رعایت می‌گردد، (مثل شرایط سال‌های
 ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲) آشکار شده و گسترش
 می‌یابد. بنابراین در آینده نباید انتظار

امواج پیاپی و وسیع جنبش‌های اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر را داشته باشیم مگر آن که فرض کنیم رژیم در موقعیت خاص در مقابل جنبش مسلحانه عقب‌نشینی کرده به شرایطی نیمه دموکراتیک تن دردهد.

در حال حاضر امکان چنین فرضی بسیار بعید و غیر محتمل است. برای رسیدن به این شرایط در حال حاضر لازم است قدم‌های زیر برداشته شود :

الف - باید جریان‌های مارکسیست -

لنینیست جنبش مسلحانه از رشد کمی و کیفی چشم‌گیری برخوردار شده و نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات سیاسی جامعه پیدا کرده باشند.

ب - جریان‌های عمده سیاسی - صنفی

مارکسیست - لنینیست رهبری این پیشاهنگ را پذیرفته تاکتیک‌های خود را تابع مشی عمومی آن کنند. ما معتقدیم این شرایط فقط در جریان عمل ایجاد خواهد شد.

معذالک این اعتقاد موجب نمی‌شود که

امر حزب را به حال خود واگذاریم .

جریان‌های مارکسیست - لنینیست باید قدم

به قدم و پیگیرانه راه رسیدن به حزب را

بپیمایند .

ما به عنوان اولین قدم در این راه
روی نقش استراتژیک چریک های فدائی خلق
به مثابه پیشروترین جریان انقلابی
مارکسیست - لنینیست حاضر تاکید می‌کنیم .

ما معتقدیم در حله نخست کلیه
جریان ها ، هسته ها و عناصر مارکسیست -
لنینیست که مشی مسلحانه را پذیرفته اند
در زیر پرچم چریک های فدائی خلق متحد
شوند .

باید چریک های فدائی خلق تبدیل
به جریان عمومی چریک های فدائی خلق برای
ایفای نقش استراتژیک خود باید به پشت
جبهه مطمئنی دست یابد . این پشت جبهه
کمک می‌کند تا وحدت جریان های موجود
آسان تر تامین شده و امکان جذب نیروهائی
که در دو سال اخیر به سوی جنبش مسلحانه
روی آوردند افزایش یابد .

برداشتن قدم های بعدی درگرو برداشتن
این قدم های نخست است . پس از آن نوبت
به کانالیزه کردن دیگر جریانهای وابسته
به جنبش کارگری در جهت مشی انقلابی و
رسیدن به پیشاهنگ کار جنبش فرا میرسد .

بهار سال ۱۳۵۲ - زندان
پایان

کتابخانه
کتابخانه
کتابخانه

میرزا زاده نعمت (م. آزر م)

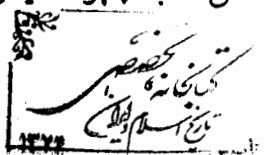
مجسمه آزادی

در شهر برج و با روی آن آسمان خراش
آنجا که هر بنای مهییش
خود ، گاو صندوقی ست عظیم
- ز پولاد -

تا غارت سراسر آفاق را
- به شکل دلار -

در خود بیاکند ،
و حفره‌های سیر ناشده‌اش
هر روز منتظر کشف سفره‌ای است ؛
آنجا
غولی خشن - به صورت بانوئی معصوم -
بر تلی از دلار ستاده‌ست
دستی فراز کرده ، نگهدار مشعلی
در آستین دیگرش اها
دانسته نیست ، چیست
این پیکره مبشر آزادی‌ست :
آزادی ربوب
آزادی هجوم .

بر تلی از دلار ستاده‌ست
در دست مشعلی‌ش فروزان
غولی خشن - به چهره قدیسی -



با مشعلی عظیم که با آن
اعماق بیشه « بولیوی » را
روشن کند
و آنکاه

با دست دیگرش « چه گوارا » را
خنجر به قلب فرود آورد
و ندر نهان جنگل « کنگو »
آتش دمد به جان « لوموبا »

بر تلی از دلار ستاده است
با مشعلی عظیم که با آن
آتش پراکند به « ویتنام »
با مشعلی عظیم که با آن
دزدان باز گشته ز غارت را
بر عرشه های سرکش کشتی ها
از دورتر سواحل دریای نفت
وز آن سوی کرانه الماس و کائوچو
- چون رهنما - بخویش فرا خواند

بر تلی از دلار ستاده ست
این پیکره مبشر آزادی ست :
آزادی ربودن ،
آزادی هجوم

اینک هزار کشتی تاراج
از چار سوی پهنه گیتی
خشنودی فرشته آزادی را
- با ارمغان آنچه توان یافت -

رو سوی این گرسنه روانند
کتابخانه تخصصی
تاسیس ۱۳۲۲

ای غول ! ای مزور قدیس !
ای مشعل !
ای چراغ شب رهنان دریائی !
با باد شرق
بر تو

سرانجام می وزم